

اعلان واجب الايقان

این نقل از دوم کتاب نشان حیدر است حسب فرمایش سکنه مرتب و ارسطو فطرت و از نهت فردین شوکت قدر شناس اهل نیکوین محسن فرزند بهادر و ام اقباله حسن صحت و صفوت عبارت بقدر حصه خود که بمطالعه آن بچکس را وقت نیفتد ترجمه ساخت و نقول کتاب مذکور که از ویلوزنبرو سروران اینجا رسیده است از مسوده منشوس بعضی کاتبان تمهید مطالعه آن نسخه در حاتم بلا اطلاع نقلش برداشته و جایکه صاف مفهوم نشد عبارت و دیگر تشبیه نوشته و کوشه حاصل فقرات نشین و استعارات کزین بسبب عدم دریافت اشارات متن و حایه قطع کرده اند لهذا آن نسخه بسبب این مبغیه سراپا غلط واقع شده امید از صاحبان و الا فطرت آنست که اگر کتاب مذکور بلا اشاره نقل سوم و چهارم و امثال که ازین قسم تبصیر خواهد رسید بدست شده باشد ازین کتاب صحت گنایند مطالعه نمایند اگر معری از اشاره مذکور بود سر غلط انگاشته بمطالعه اش نگرانید منبه و کرده و کاتب این کتاب را نیز باید که بعد از این عبارت هم بتبدیل القاب و اسم مکتوب الیه آخر آن به تحریر آورده است تا نام نقل مذکور از دو صد و بیست چهار بود و از دستخط خاص حاکم کتابت یعنی حسین علی صاحب قبله کرمانی عفی الله عنه عمن ذنوبه بود.

و اگر پسندگان کاتب بجا رفت
 کجوبگر سجت از دست زمانه

خانه الطبع

الحمد لله الذي جعل سير المتقدمين نورا للتأخرين واصطلم بالعلم بعدا يتسدى للسلين الذي اعنى لواله الدين
 المتين الى يوم الدين صلوة الله تعالى عليه وعلى آله الطيبين الطاهرين ابا عبد الله محمد زو محمد بن خوشه حسين
 خدمت گزين اهل فصاحت و بلاغت اختر الرزين سيد حسين خليف حاجي سيد محمد حسن صاحب امر و هوى
 نجويت و الامتياز شادوران بجز فصاحت و بلاغت خواصان عمان كنات واقفان عرفان
 رمز و اشارت مست عرض را تنبای خنای قبول دراز ميگردانند که در اين ايام مبارک انجام کتاب مطاب عا
 حالات خواقين جامع واقعات سلاطين مبین شجاعت قيصري منظر مبارزت صفدری اعني

نشان حیدر تصنیف انيف عالم کمانه کجای نامه طعم العام سخن نقص عليك احسن القصص
 انعام خطاب ارسطو نفس مرکز و ارسنه سخن و سخنانی محور علم سیر و تاریخانی سید محمد علی کرمانی که هر حرفش
 تازگی سخن روح و روان و هر نفسش شجاعت انجیر و لبان جبینش سبزه خطن عاشق زار رسوا و شش
 چشمیان سر سبز جان نثار نقطه اش از حال لاله رخان اعلی بر هر ششش از قوس قزح بالاتر هیچ کتابش بر
 قلم شیده طرز بیانش زنگ هر جنبان پرانیده منظر ناظرش کسیر مسوودن و طاش از زنگ صبی مروود شتری

بزار جان خریدارش قدر کبکوار گرفتارش اعجاز بلاغت و فصاحتش زبان حال مدانا انا افصح الکلام انما افصح
 اللوح اقلم میدهد ایجاز عبارت و کثرت استعارتش کوس اعلان مملو عن الحکم و متلو العربیج میگوید
 استام و سعی بالاکلام و ضرب کثیر تا جبران نشان سرا بالطف و لسان منظر نفس عمیم متوقع احقر علم حساب و
 عبد کریم و عا که حاکم صانها شد بر ابا فاده شایقین کتب سیر و توفیق علم جبریت اسلامی کا و سوره یح ۱۲
 و صدیقت هر مطابق کم جو لانی کهیز آید و ششمنو و میو بسط خود می نفتح لکریم واقع بی طبع نود و نقط